



An Examination of the Character of Her Highness Khadija (s) From the Orientalists' Viewpoint *

Hassan Rezaei-Haftadar¹ and Marzieh Raji² and Ruhollah Shahidi³

Abstract



The life of Her Highness Khadija (s) is among the subjects that some orientalists have dealt with. Individuals such as Fatemeh Marnisi in the book "Veiled Women and Elite of the Cloak," Nabiya Abbott in the article "The Status of Women at the Dawn of Islam," and Barbara Freyer Stowasser in the articles "Wives of the Prophet" and "Khadijah" in the Encyclopedia of the Quran in Leiden have discussed aspects of this prominent figure within their discussions on women in Islam. Relying on the Sunnī narrations, they point out the virtues of this figure and depict her as a person with profound thought and a strong supporter of the Prophet (s). Nonetheless, all foregoing authors have asserted that she was old when she married the Prophet (s), was a widow before marrying him, had some children from her previous marriages, and had a huge wealth as a result of her previous marriages. In line with depicting Khadija (s) as a character supporting the Prophet (s), they weaken the prophetic status of the Prophet (s), and introduce him as a helpless person and an unsuccessful prophet had she not supported him. Despite their reference to numerous resources, these authors have made mistakes incongruent with historical facts. This is because of their reference to Sunnī resources and their incomplete exploration of historical works. This paper, with descriptive-analytical, aims at first presenting their points and then analyzing the sublime character of Khadija (s) and proving that she had never got married before the Prophet (s) and was not old at the time of marrying him. She was the guardian of the children of her sister "Hāla," and her huge wealth was not the heritage received from her previous husbands; rather, it was the outcome of the efforts and strength of this brilliant lady.

Keywords: Khadija (s), Orientalists, History, Qur'ānic Verses, Islamic Narrations.

*. **Date of receiving:** 23 October 2022 ; **Date of correction:** 01 March 2023; **Date of approval:** 21 June 2023.

1. Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Farabi Colleges, University of Tehran. Qom, Iran (Corresponding Author): (hrezaii@ut.ac.ir)

2. Ph.D. Candidate in Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Farabi Campus, University of Tehran. Qom, Iran. (misaghraja@gmail.com)

3. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Farabi Campus, University of Tehran. Qom, Iran. (shahidi@ut.ac.ir)



بررسی شخصیت حضرت خدیجه (س) از دیدگاه مستشرقان*

حسن رضایی هفتادار^۱ و مرضیه راجی^۲ و روح الله شهیدی^۳



چکیده

زندگی حضرت خدیجه علیها السلام، از جمله موضوعاتی است که برخی مستشرقان بدان پرداخته‌اند. افرادی همچون: فاطمه مرنیسی در کتاب «زنان پرده‌نشین و نخبگان جوشن‌پوش»، نایبا آبوت در مقاله «وضعیت زنان در صدر اسلام» و باربارا فریر استواسر در مقالات «همسران پیامبر» و «خدیجه» در دائرةالمعارف قرآن لیدن، در ضمن بیان مباحث خود درباره زن در اسلام، مطالبی درباره این شخصیت برجسته آورده‌اند. ایشان با استناد به منابع اهل سنت، به ذکر محاسن این شخصیت پرداخته و وی را صاحب اندیشه‌ای بلند و حامی مقتدر پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته‌اند. نویسندگان مذکور، همگی به سن بالای حضرت خدیجه علیها السلام در زمان ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، بیوه‌بودن وی و داشتن چندین فرزند از همسران قبلی و همچنین ثروت انبوه او که ماحصل ازدواج‌های قبلی‌اش بوده، اشاره کرده‌اند و در ضمن ترسیم شخصیت حمایت‌گر خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله، جایگاه نبوتش را تضعیف کرده و پیامبر را شخصیتی درمانده و ناموفق در امر رسالت در صورت عدم همراهی همسرش دانسته‌اند. نویسندگان یادشده، به‌رغم مراجعه به منابع متعدد، به دلیل استناد به منابع اهل سنت و عدم تفحص کامل در بین آثار تاریخی، دچار اشتباهاتی شده‌اند که با حقیقت تاریخی سازگار نیست. این نوشتار که به شیوه توصیفی-تحلیلی نگاشته شده، درصدد است تا ضمن تبیین مطالب آنان، به تحلیل شخصیت متعالی خدیجه علیها السلام پردازد و اثبات کند وی قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز ازدواج نکرده و سن بالایی نداشته است. او متکفل فرزندان خواهرش «هاله» بوده و ثروت انبوه وی میراث همسران قبلی‌اش نبوده، بلکه ماحصل تلاش و توانمندی این بانوی نمونه بوده است.

واژگان کلیدی: خدیجه علیها السلام، خاورشناسان، تاریخ، آیات قرآن، روایات اسلامی.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۱؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۱۲/۱۰ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۳/۳۱.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران. قم، ایران، «نویسنده مسئول»: hrezaii@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران. قم، ایران: misaghraja@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران. قم، ایران: shahidi@ut.ac.ir



مقدمه

شناختن شخصیت‌های بزرگ اسلامی، گامی ضروری در جهت تقویت و تحکیم مبانی اسلام است. در دنیای امروز که با بزرگ‌نمایی شخصیت‌های کاذب، الگوهای نامناسبی برای جوانان و زنان ارائه می‌شود، ضرورت شناخت و ارائه اسوه‌های شایسته برای تمامی انسان‌ها به‌ویژه مسلمانان، بیش از پیش محسوس شده است؛ لذا معرفی حضرت خدیجه، آن بانوی بزرگوار به‌عنوان الگویی نمونه برای زنان جامعه حاضر، امری ضروری است. از طرف دیگر، شخصیت کامل حضرت خدیجه علیها السلام آن گونه که باید معرفی نشده است؛ لذا در این نوشتار، به جنبه‌های مختلف شخصیتی مورد اشاره خاورشناسان درباره وی پرداخته تا ضمن زدودن تحریف شخصیتی آن بانو، او به‌عنوان یک الگوی کامل برای زنان معرفی شود. همچنین یکی از کارسازترین راه‌ها برای از بین بردن شخصیت افراد تأثیرگذار در اسلام، تحریف زندگی آن‌هاست؛ بنابراین لازم است با این‌گونه اقدامات دشمنان، مقابله کرد و نقشه‌های آنها را خنثی نمود. این کار زمانی اتفاق می‌افتد که آگاهی لازم نسبت به تحریفات انجام شده، صورت بگیرد.

در هنگام بررسی تاریخ صدر اسلام، درمی‌یابیم حضرت خدیجه علیها السلام، یکی از مهم‌ترین شخصیت‌هایی است که در عصر خود برای رشد اسلام، نقش بی‌بدیلی داشت. بر اساس آیات قرآن و منابع معتبر تاریخی، منافقان، یکی از خطرناک‌ترین جریان‌های بودند که از صدر اسلام تاکنون، ضربات جبران‌ناپذیری را به اسلام و مسلمانان وارد کرده‌اند. یکی از اقدامات آن‌ها، دستبرد به تاریخ زندگی حضرت خدیجه علیها السلام بوده است. با توجه به جایگاه وی در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام و ویژگی‌های اعتقادی و اخلاقی او، معرفی این بانوی ارجمند باعث شناخت اسلام راستین می‌شود. منافقان نیز به این مهم پی برده، دست به تحریف تاریخ زندگی این بانوی ارجمند زدند. آن‌ها تا آنجا که توانستند در چرخش زندگی حضرت خدیجه علیها السلام دست بردند و آن را به نحو دلخواه خود عوض کردند. همچنین فضایل و مناقب وی را حذف کرده یا به دیگران نسبت داده‌اند تا از فروغ او در نزد عامه مردم بکاهند و مردم را به طرف دیگران متمایل سازند. آنان با نشر این اکاذیب و رسوخ دادن آن به تاریخ، در بیان مسائلی همچون: تعدد زوجات خدیجه علیها السلام و سن بالای وی در زمان ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حذف معنادار استعداد و توانمندی و تلاش او در تجارت و کسب مال‌التجاره فراوان در اثر تلاش وی و بذل مال و ایثار فراوان این بانوی مکرم در راه پیشبرد اسلام، سعی در مخدوش کردن شخصیت خدیجه علیها السلام داشتند. متأسفانه این تحریفات، در کتب و آثار مستشرقان نیز وارد شده و انعکاس یافته است. نوشتار حاضر، به آثار افرادی همچون: فاطمه مرنیسی، باربارا استواسر و نایبا آبوت می‌پردازد که در ضمن مطالب خود در



مورد زنان در اسلام، به این شخصیت والا نیز اشاره داشته‌اند. همچنین به دلیل اهمیت نگاشته‌های ایشان در بین مستشرقان و تأثیر آراء آنان بر سایر نویسندگان، سخنانشان نقد می‌گردد. حقیقت این است که حضرت خدیجه به‌عنوان شخصیتی بی‌نظیر در جامعه ایمانی، هم به‌عنوان همسر پیامبر ﷺ در نقش همسری و هم به‌عنوان اولین زن مسلمان آن دوران، نقش بسزایی در پیشبرد اسلام و اهداف آن داشت. به‌گواه اسناد و مدارک و منابع اسلامی، این بانوی بزرگوار دارای مقامات ویژه‌ای بودند؛ لذا از آنجاکه اصولاً کمتر از وی یاد می‌شود و باتوجه به حق بزرگی که او بر همه مسلمانان دارد، در ادای حقش کوتاهی شده است. از طرفی نقش الگویی وی نیز اقتضا می‌کند که به بررسی ویژگی‌های این شخصیت شاخص پرداخته شود تا تحریفات وارده زدوده گردد.

پیشینه تحقیق

- مقالات متعددی در مورد این بانوی بزرگوار نگاشته شده از جمله:
- «نقش اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حضرت خدیجه ؓ در گسترش اسلام»، از اسماعیل سخا؛
 - «بث شکوی عاشقانه حضرت رسول اکرم ﷺ درباره خدیجه ؓ»، از علی اصغر رضاشارکی؛
 - «بررسی جنبه‌های الگوگیری از حضرت خدیجه ؓ در سبک زندگی»، از حسین شمس؛
 - «بررسی نقش حضرت خدیجه ؓ در حفظ و نشر اسلام»، از زهرا وزینی‌راغب؛
 - «قطره‌ای از فضایل حضرت خدیجه ؓ»، از هاشم اندیشه؛
 - «بررسی جایگاه حضرت خدیجه ؓ در دائرة المعارف قرآن لیدن»، از سکینه آخوند؛
 - «برسی دیدگاه نایاب آبت در مقاله "وضعیت زن در صدر اسلام" با تکیه بر آیات و روایات»، از زینب السادات حسینی.

افراد یادشده در نوشتار خود، به فضایل حضرت خدیجه ؓ پرداخته و یا غالباً به نقد دیدگاه‌های برخی مستشرقان به‌صورت منفرد همت گماشته‌اند. ما در این نوشتار، در پی تبیین فضای فکری حاکم بر مستشرقان درباره شخصیت حضرت خدیجه ؓ و تحلیل و نقد آراء ایشان با کمک روایات و منابع تاریخی هستیم تا انواع تحریف‌های صورت گرفته از شخصیت متعالی وی را زدوده، تصویر شاخصی از الگوی زن مسلمان در صدر اسلام را برای ایشان معرفی کنیم.

خدیجه ؓ از منظر مرنسی

فاطمه مرنسی در سال ۱۹۴۰ در فاس مراکش دیده به جهان گشود. وی فعال حقوق زنان، نویسنده و جامعه‌شناس مراکشی محسوب می‌شود. او علوم سیاسی را در دانشگاه سوربن و سپس دانشگاه



براندیس آموخت و از آنجا دکتری گرفت. مطالعات وی بیشتر درباره جامعه‌شناسی، زنان و نقش آنان در اسلام و فمینیسم اسلامی است. نخستین کتاب او با عنوان «فراسوی حجاب»، یکی از تحلیل‌های کلاسیک از وضعیت زنان در جهان اسلام است. فاطمه مریسی به همراه سوزان سوئتاگ، نویسنده و نظریه‌پرداز آمریکایی، در سال ۲۰۰۳ برنده جایزه شاهدخت آستوریاس در شاخه ادبیات شد که به‌طور سالانه توسط بنیاد شاهزاده آستوریاس در اسپانیا اهدا می‌شود. چند کتاب از وی با عناوین «زنان پرده‌نشین و نخبگان جوشن‌پوش»، «زنان بر بال‌های رؤیا» و... در ایران منتشر شده است. مریسی در سال ۲۰۱۵ در رباط مراکش چشم از جهان فرو بست (توانا، «مقایسه حقوق زن مسلمان از دیدگاه مرتضی مطهری و فاطمه مریسی»، ۱۳۹۶: ۴۱-۵۹؛ فهرستی، «نقد آراء فاطمه مریسی در خصوص حجاب»، ۱۳۸۴: ۱۷۷-۱۹۲). وی در کتابش، «زنان پرده‌نشین و نخبگان جوشن‌پوش»، از دو زاویه به شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام پرداخته است. نخستین آن اشارت‌هایی به جنبه‌های شخصی زندگی زناشویی او با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. به اعتقاد او، خدیجه قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دو بار ازدواج کرده بود و از هریک از همسرانش یک فرزند داشت. هم‌چنین می‌نویسد:

«خدیجه خود از پیامبر درخواست ازدواج کرد؛ زیرا پیامبر ویژگی‌های مرد ایدئال او را داشت. خدیجه وارث ثروتی عظیم از همسران پیشینش بود که وی آن را با سرمایه‌گذاری‌هایش در معاملات متنوع و گسترده بازرگانی دوجندان کرده بود.»

مریسی سپس به سن خدیجه علیها السلام پرداخته و سن گزارش شده در روایات تاریخی را مورد تردید قرار داده، می‌گوید: «در احادیث بر اختلاف سن حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه (۲۵ و ۴۰ سال) تأکید می‌شود؛ اما از آنجاکه خدیجه در طول پانزده سال ازدواج با پیامبر، هفت فرزند به دنیا آورد، شاید این پرسش مطرح شود که آیا او واقعاً دارای این سن بالا بوده است؟» (مریسی، زنان پرده‌نشین و نخبگان جوشن‌پوش، ۱۳۸۰: ۵۶)؛ اما پاسخی به این سؤال نمی‌دهد.

زاویه دیگر تصویرسازی‌های مریسی، از نقش‌آفرینی حضرت خدیجه علیها السلام در آرامش و اطمینان خاطر دادن به پیامبر در انجام دادن رسالت خویش و پیشبرد دعوت اسلامی است. به باور او، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هنگام دریافت اولین وحی در چهل سالگی که با ترس و وحشت همراه بود، در پناه خدیجه، و نه مردان، احساس آرامش نموده، انرژی و روحیه لازم را کسب می‌کرد (همان). مریسی این مطلب را چنین بسط می‌دهد: «خدیجه که متون باستانی را مطالعه کرده و از تاریخ پیامبران مطلع بود، با نام جبرئیل نیز آشنایی داشت. وی عمویی داشت به نام ورقه بن نوفل که پیامبر را متقاعد کرد که نه مجنون است و نه شاعر، بلکه پیامبر واقعی یک دین تازه است.»

افزون بر این، از منظر مرنیسی، ایمان خدیجه، عاملی دیگر در دلگرمی حضرت محمد ﷺ و استوارسازی او در راه رسالت بوده است: «روزی پیامبر ضمن یکی از بحث‌های طولانی که معمولاً هر بار پس از نزول جبرئیل میان او و خدیجه درمی‌گرفت، گفت: "من به چه کسی پناه ببرم؟ چه کسی مرا قبول دارد؟" خدیجه از اینکه پیامبر ﷺ دیگر به رسالت خود شکی ندارد، خوشحال شده بود و با شوق فریاد زد: "پیش از همه می‌توانی به من رو کنی! برای این که من به تو ایمان دارم". پیامبر خوشحال شد و شهادتین را بر وی خواند و خدیجه ایمان آورد. بدین صورت بود که اسلام، در پناه زنی محبوب آغاز شد.»

او می‌گوید: «بعد از درگذشت خدیجه (س)، پیامبر عشق را در زن‌های دیگر باز جست.» (همان: ۱۷۵)

خدیجه (س) در منظر استواسر

باربارا فریر استواسر در سال ۱۹۳۵ متولد شد. وی استاد زبان عربی در دانشکده ادبیات عرب دانشگاه جرج تاون آمریکاست. او در فاصله سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۹۹، مدیر مرکز مطالعات معاصر عربی در همین دانشگاه بود و به مدت دو سال نیز ریاست انجمن مطالعات خاورمیانه را بر عهده داشته است. علاوه بر عضویت در انجمن‌های مختلف در حوزه مطالعات اسلامی، زنان و خاورمیانه، وی سرویراستار دو مجله مهم خاورشناسی به نام‌های جهان اسلام و مجله خاورمیانه است. او فوق‌لیسانس خود را در رشته مطالعات خاورمیانه از دانشگاه کالیفرنیا آمریکا و دکتری خویش را در مطالعات تطبیقی اسلامی و سامی از دانشگاه مونستر دریافت کرده است (Stowasser, «Gender issues and contemporary Quran interpretation», 1998: 31-38; id., «Women and citizenship in the Qur'an», 1994: vii-viii; id., Women in the Qur'an, traditions and interpretation, 1996: 23-30). بخشی از درون‌مایه مقاله «خدیجه» در دائرةالمعارف قرآن لیدن، اثر باربارا استواسر نیز همچون اثر مرنیسی، به جنبه‌های شخصی زندگی خدیجه، همچون ویژگی‌های او و چگونگی ازدواجش با پیامبر اسلام اختصاص دارد. وی می‌نویسد: «خدیجه تاجر مکی اشرافی و ثروتمندی بود که از ازدواج قبلی‌اش صاحب دو پسر و یک دختر شده بود. آنگاه که بیوه بود، محمد ﷺ به‌عنوان ناظر مال‌التجاره در سفری تجاری به شام، خدماتی به او داد. گفته می‌شود در طول این سفر، جوانی از خانواده خدیجه به نام میسر، معجزاتی از محمد ﷺ دید که انتخاب وی به نبوت را پیش‌گویی می‌کرد... خدیجه متأثر از شخصیت خوب و امانت‌داری محمد ﷺ، به او پیشنهاد ازدواج داد.» (Stowasser, «Khadīja», 2003: 3/80-81; id., «Wives of the Prophet», 2006: 5/516)



استواسر معتقد است که طبق بیشتر روایات، سن پیامبر ﷺ در آن زمان ۲۵ سال و سن خدیجه چهل سال بود. او حداقل پنج فرزند برای شوهرش آورد: چهار دختر (زینب، ام کلثوم، فاطمه و رقیه)، و یک یا احتمالاً دو پسر (قاسم و عبدالله) که البته ممکن است یک فرد باشند (Stowasser, «Khadīja», 2003: 3/80-81).

تأکید بر حمایت‌های مادی، عاطفی و معنوی خدیجه ﷺ در توفیق رسالت حضرت محمد ﷺ نیز از زمینه‌های مشترک مطالعات استواسر با مرنسی است. وی می‌گوید: «خدیجه اولین تجارب معجزه‌آسای محمد ﷺ و به‌ویژه برانگیخته‌شدن وی به نبوت را به ورقه بن نوفل عموی مسیحی‌اش، گزارش داد و او این حادثه را به وحی شریعت بر موسی شبیه دانست. همچنین مطابق با نظریه‌ای، شاید همین ورقه بن نوفل جزئیات مربوط به باورهای مسیحیت را در اختیار حضرت محمد ﷺ قرار داده باشد. بر اساس بیشتر روایات، خدیجه اولین کسی است که به خدا، رسول او و حقانیت پیامش ایمان آورد. پیامبر تا خدیجه زنده بود همسر دیگری اختیار نکرد.» (Stowasser, «Khadīja», 2003: 3/80-81; (id., «The women's bay'a in Qur'an and Sira», 2009: 87-98).

اما نوآوری او را می‌توان در اشاره به آیات قرآنی و روایات تفسیری دانست که از جایگاه والا و نقش اثرگذار خدیجه ﷺ سخن می‌گویند. وی با استناد به روایات تفسیری، آیه هشتم سوره ضحی را چنین به ازدواج پیامبر و خدیجه پیوند می‌زند: «به دلیل اینکه خدیجه سه سال قبل از هجرت درگذشته بود و از طرفی آیات مربوط به خانواده پیامبر در مدینه نازل شده، پس در متون تفسیری، نام خدیجه به ندرت دیده می‌شود و فقط آیه ﴿وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى﴾؛ (ضحی/۸) در مورد ازدواج خدیجه و پیامبر ﷺ دانسته شده است» (Stowasser, «Khadīja», 2003: 3/80-81).

استواسر با تکیه بر روایات تفسیری، جایگاه حضرت خدیجه را در قرآن چنین به تصویر می‌کشد: «رتبه خدیجه در بین زنان برگزیده خداوند در متون تفسیری، در تفسیر آیات ۱۱-۱۲ تحریم و ۴۲ آل عمران، نشان داده شده است. در سیاق آیات ۱۱-۱۲ تحریم، او به سبب خدمات بسیارش به رسالت پیامبر، هم‌ردیف همسر فرعون (آسیه) و مریم دختر عمران (مادر حضرت عیسی) دانسته می‌شود که هر دو اسوه‌ای برای مؤمنان بودند. درباره آیه ۴۲ آل عمران، یعنی سخن فرشتگان به مریم که خداوند او را بر زنان جهان برگزیده است، نام خدیجه به‌طور چشم‌گیری در مباحث تفسیری مربوط به منزلت مریم، در بین شخصیت‌های زن قرآنی و نیز درباره سه زن برگزیده از خانواده پیامبر - یعنی خود خدیجه، عایشه (همسر بعدی پیامبر) و فاطمه، دختر پیامبر و خدیجه - دیده می‌شود».



در این زمینه، در بسیاری از روایات در منابع تفسیری و متون قصص الانبیاء به نقل از پیامبر ﷺ، خاطرنشان شده است که مریم، فاطمه، خدیجه و عایشه، بهترین زنان جهان و سرور زنان در بهشتند. استواسر می‌گوید: «با اینکه روایات مربوط به گنجاندن عایشه در این گروه به لحاظ تعداد کمترند، بسیاری از روایات مربوط به سیره، تصریح دارند که مریم، آسیه، خدیجه و عایشه، همگی همسران محمد ﷺ در بهشت خواهند بود.» (Stowasser, «Khadīja», 2003: 3/80-81; id., «Mary», 2003:) (3/290; McAuliffe, «Fātima», 2002: 2/193).

ارزیابی

دیدگاه‌های استواسر و مرنسی را در محورهای ذیل می‌توان ارزیابی کرد:

۱. بیوه‌بودن خدیجه هنگام ازدواج با پیامبر ﷺ و فرزند داشتن او از ازدواج پیشین

مرنسی و استواسر معتقدند که حضرت خدیجه ﷺ، هنگام ازدواج با پیامبر، بیوه‌زنی بوده که از ازدواج قبلی‌اش صاحب فرزند بوده است. شاید دلیل این اعتقاد، مراجعه به کتاب‌های محدودی از اهل سنت باشد. این دیدگاه سست، ناشی از اشتباه مورخان یا غرض‌ورزی برخی برای تحریف این شخصیت متعالی و موثر در پیشبرد اسلام است. در پاسخ باید گفت که این ادعا مخدوش بوده و با بررسی بیشتر در منابع تاریخی و روایی که در ذیل خواهد آمد، آشکار می‌شود که خدیجه ﷺ هنگام ازدواج با پیامبر دوشیزه بوده است. ابوالقاسم علی بن احمد کوفی در این باره می‌نویسد: «بی‌گمان، حضرت خدیجه ﷺ، به جز رسول خدا با هیچ‌کس ازدواج نکرد.» (کوفی، الاستغاثه، بی‌تا: ۷۰/۱). وی در ادامه سخنانش می‌گوید: «خدیجه‌ای که به اتفاق مورخان و سیره‌نویسان، دست رد به سینه همه اشراف و رجال برجسته زمان زده است، چگونه صاحب درک و اندیشه‌ای احتمال می‌دهد که به ازدواج شخص گمنامی از اعراب بنی تمیم رضایت دهد؟ اهل خرد می‌دانند که چنین مطلبی از محالات است و یقین می‌کنند که حضرت خدیجه جز رسول خدا با هیچ‌کس ازدواج نکرده است.» (همان).

خصیبی هم با صراحت و قاطعیت می‌نویسد: «به جز رسول خدا ﷺ، هرگز کسی افتخار همسری خدیجه را پیدا نکرد، چنانکه تا خدیجه زنده بود پیامبر همسر دیگری برنگزید.» (خصیبی، الهدایه الکبری، ۱۴۲۶: ۲۰۶).

ابن شهر آشوب در مناقب آل ابی طالب، افزون بر کوفی، از بلاذری در «انساب الاشراف»، سید مرتضی در «الشافی»، و شیخ طوسی در «تلخیص الشافی»، از دوشیزه‌بودن حضرت خدیجه هنگام ازدواج با پیامبر ﷺ سخن گفته است. او با توجه به دو کتاب «الأنوار فی مولد النبی» و «الاستغاثه فی بدع



الثلاثة» ابوالقاسم کوفی، تأکید می‌کند که رقیه و زینب دختران هاله، خواهر خدیجه بودند (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۱۴۱۲: ۲۳۴). در تاریخ یعقوبی نیز ذکر شده، خدیجه خواهری به نام هاله داشت که همسرش از دنیا رفت و دو فرزندش را بدون سرپرست گذاشت. حضرت خدیجه که زنی ثروتمند بود، سرپرستی خواهر و خواهرزاده‌های خود را به عهده گرفت و پس از ازدواج با پیامبر، بچه‌ها در خانه پیامبر باقی ماندند. عرب می‌پندارد که اگر کسی را بزرگ کنی، فرزندت هست. به همین جهت است که برخی مردم، آنان را دختران خدیجه و محمد ﷺ می‌پنداشتند نه هاله (یعقوبی، تاریخ یعقوبی، بی تا: ۳۸/۲). سید جعفر مرتضی عاملی در تألیف‌هایی مستقل با نام‌های «بنات النبی أم ربانیه» و «القول الصائب فی اثبات الرائب» و همچنین در کتاب «الصحيح من سيرة النبی الأعظم»، به تفصیل در این باره سخن گفته است (عاملی، الصحيح من سيرة النبی الأعظم، ۱۴۲۶: ۱۲۰/۲-۱۲۹).

از دیگر سو، چگونه می‌توان پذیرفت که حضرت خدیجه در ازدواج با پیامبر ﷺ، از ناحیه قریش سرزنش شده باشد؛ اما در ازدواج با یک اعرابی ابداً سرزنش نشده باشد؟ بنابراین شایعه ازدواج خدیجه قبل از پیامبر، تحریف عمدی تاریخ است برای اینکه این فضیلت را از آن دیگران معرفی کنند. بدین ترتیب آنچه نویسندگان مذکور درباره فرزندان خدیجه از ازدواج قبلی اش بیان داشته‌اند، پذیرفتنی نیست و طبق مستندات، مشخص می‌شود که فرزندان خواهر وی بوده‌اند که خدیجه کفالت آن‌ها را برعهده گرفته بوده است (آخوند، «بررسی جایگاه حضرت خدیجه ﷺ در دائرة المعارف قرآن لیدن»، ۱۳۹۷: ۳).

۲. سن خدیجه هنگام ازدواج با پیامبر ﷺ

استواسر بر اساس پاره‌ای از روایات اهل سنت، سن خدیجه را هنگام ازدواج با پیامبر چهل سال و سن پیامبر را ۲۵ سال دانسته است. مرنسی نیز پس از بیان مطلب در این مورد تردید کرده؛ اما پاسخی نمی‌دهد؛ البته وقایع نگاران و مورخان اموی در مورد سن حضرت خدیجه، ۴۰ تا ۴۶ سال را نوشته‌اند تا رقیبی برای برخی از همسران پیامبر ﷺ پیدا نشود؛ ولی قول مقبول و معقول در سن وی، همان است که بسیاری از مورخان آن را برگزیده و گفته‌اند که حضرت خدیجه ۲۵ تا ۲۸ ساله بوده است؛ برای نمونه، حافظ عمادالدین سن او را در این هنگام ۲۵ سال دانسته و هیچ قول دیگری نقل نکرده است (عامری حرزی، بهجه المحافل، بی تا: ۴۸/۱).

بیهقی، صاحب السنن الکبری، هم فقط همین قول را صحیح دانسته، می‌گوید: «سن حضرت خدیجه هنگام وفات، ۶۵ و به قولی پنجاه بوده و سن پنجاه صحیح تر است.» (بیهقی، دلائل النبوه، ۱۴۰۵: ۲۷۱/۲).



بر اساس مدارک تاریخی، ازدواج حضرت خدیجه در سال بیستم عام الفیل و پانزده سال قبل از بعثت انجام یافته که پیامبر در آن تاریخ ۲۵ ساله بوده و رحلت خدیجه سه سال پیش از هجرت در سال دهم بعثت رخ داده است. بدین ترتیب اگر حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج ۲۵ ساله باشد، هنگام رحلت پنجاه ساله خواهد بود و اگر چهل ساله باشد، هنگام ارتحال ۶۵ ساله خواهد بود که بیهقی پنجاه ساله را صحیح دانسته است. ابن کثیر نیز همین مطلب را از بیهقی نقل کرده (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۰۸: ۲/۲۹۶)؛ سپس اضافه می‌کند: «پیامبر هنگام ازدواج با حضرت خدیجه ۲۵ سال داشت و حضرت خدیجه نیز در آن هنگام ۳۵ و یا ۲۵ ساله بود.» (همان، ۲۹۵).

قول دیگر این است که حضرت خدیجه هنگام ازدواج با پیامبر ۲۸ ساله بوده و این قول ابن عباس است (ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ۱۴۱۵: ۳/۱۹۳). ابن حماد حنبلی از دانشمندان معروف اهل سنت (ابن عماد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، بی‌تا: ۱/۱۴)؛ و بلاذری در انساب الاشراف (بلاذری، انساب الاشراف، ۱۴۱۷: ۱/۱۰۸)؛ نیز این دیدگاه را برگزیده‌اند.

بدین ترتیب آنچه در منابع مختلف نقل شده که حضرت خدیجه هنگام ازدواج با پیامبر علیها السلام چهل ساله بوده، شایعه‌ای بیش نیست. بی‌شک سن وی هنگام ازدواج با پیامبر، ۲۵ سال و حداکثر ۲۸ سال بوده است (آخوند، «بررسی جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام در دائرة المعارف قرآن لیدن»، ۱۳۹۷: ۸۹).

۳. پیشنهاد ازدواج خدیجه علیها السلام به پیامبر علیها السلام

در لابه‌لای نگاشته‌های دو خاورشناس پیش‌گفته، از پیشنهاد ازدواج حضرت خدیجه به پیامبر سخن گفته شد. باید بر این مطلب پای فشرده که این پیشنهاد، بر محور ارزش‌های پاک انسانی و به سبب اخلاق کریمه و شرافت نفس و شخصیت والای پیامبر بوده، وگرنه خدیجه علیها السلام به علت موقعیت اجتماعی، مالی، حسب و نسب و شخصیت والا، خواستگاران زیادی از اشراف و بزرگان مکه داشته است (عاملی، الصحيح من سيرة النبي الأعظم، ۱۴۲۶: ۲/۱۰۷). در روایات هم بدین نکته اشاره شده (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۱۶/۱۴۶-۱۶۹)؛ و سیره‌نگارانی چون ابن هشام نیز بدان تصریح کرده‌اند (ابن هشام، السيرة النبوية، ۱۴۳۰: ۲۰۱). با این حال در پژوهش‌های مستشرقان، به تأسی از اهل سنت، نکاتی برجسته از این دست، به صورت جامع و کامل منعکس نمی‌گردد و خدیجه علیها السلام با وجود تمامی رشادت‌ها و مقام والای دنیوی و اخروی، در بین همسران پیامبر علیها السلام، در برابر دیگر همسران پیامبر چون عایشه، بسیار کم‌رنگ بیان می‌شود و این از نکات ضعف این آثار است.



۴. نقش خدیجه و ورقه بن نوفل در اطمینان بخشی به پیامبر در راه رسالت الهی

تردید، دودلی و وحشت پیامبر در مواجهه با جبرئیل و دریافت نخستین وحی‌ها و اطمینان بخشی ورقه بن نوفل و حضرت خدیجه به وی، از افسانه‌هایی است که در برخی کتب تاریخ و حدیثی درباره چگونگی بعثت و نخستین وحی به پیامبر ﷺ نقل شده که مستشرقانی مانند مرنسی، استواسر و چنانکه در ادامه خواهیم دید، آبوت نیز از آن استقبال کرده‌اند؛ حال آنکه این روایت با معیارهای حدیث و تاریخ سازگاری ندارد؛ زیرا آن روایت، گزارش عایشه است که او به اتفاق ارباب سیره و تاریخ، در سال چهارم یا پنجم بعثت متولد شده است؛ بنابراین، خود شاهد احوال آن حضرت نبوده و در جایی هم نیامده که خبر را از پیامبر شنیده باشد. علاوه بر این که وی نام راوی اصلی را که احتمالاً از او شنیده است ذکر نمی‌کند؛ بنابراین خبر مرسل بوده است. چگونه پذیرفتنی است که اطلاعات خدیجه و پسرعمویش، بیشتر از پیامبر ﷺ باشد و بتوان تصور کرد که پیامبری که برای هدایت مردم مبعوث می‌شود، خود درک درستی از آن نداشته باشد؟ این افسانه ساختگی در متون اسلامی وارد شده و برخی از اسلام‌شناسان غربی که به دنبال شکستن اعتبار اسلام هستند، از روایاتی که بیان‌گر این افسانه هستند چشم‌پوشی نکرده و اغلب به دنبال نقل این روایات، به تحلیل روانشناختی آن‌ها پرداخته‌اند. از جمله این افراد می‌توان به مونتگمری وات، پروفیسور روم لاندو و پروفیسور کارل بروکلمان اشاره کرد (معارف، علوم قرآنی، ۱۳۹۶: ۲۶). امیل دورمنگایم معتقد است: «پیامبر با ورقه بن نوفل ملاقات داشته و اصول دین خود را از وی گرفته است».

از مستشرقان معاصر، مونتگمری وات نیز همین نظریه را پذیرفته است. افزون بر آن وات، در آمی بودن پیامبر تشکیک کرده؛ چراکه وی از ورقه بن نوفل تأثیر علمی گرفته است! او یکی از مهم‌ترین منابع وحی برای پیامبر را ارتباط وی با ورقه در زمان خدیجه می‌داند. او می‌نویسد: «خدیجه دختر عموی ورقه بن نوفل و ورقه مردی باایمان، پیرو آیین مسیحیت بوده و بدون تردید، خدیجه تحت تأثیر ورقه قرار گرفته و محمد نیز از آراء و اندیشه‌های او اخذ کرده است.» (وات، محمد فی مکه، بی تا: ۷۴-۷۵).

ماکسیم رودنسن بیان می‌کند: «پیامبر قبل از اطمینان به درستی وحی، شک کرد که آیا این وحی است یا خیر؟» (عوض، مصدر القرآن، ۱۴۱۷: ۲۳-۱۳).

این مطلب در شرایطی است که این روایات از جهت سندی و متنی ضعیف‌اند، به‌ویژه که قرآن کریم - که مهم‌ترین ملاک در سنجش روایات است - نیز محتوای بسیاری از آن‌ها را رد می‌کند. بر این افسانه ساختگی چندین اشکال وارد است:

الف. ناسازگاری با مبانی دین

در بعثت و نبوت خطا وجود ندارد؛ بلکه وحی امری یقینی همراه با علم حضوری است، شك و تردیدی در آن راه ندارد و اثبات نبوت يك پیامبر به تأیید یا آرامش خاطر هیچ کسی جز خداوند متعال نیاز ندارد. فرستاده خدا بیش از هرکس دیگر از نبوت خود آگاه است؛ چراکه نبوت با برهان و دلیل روشن همراه است. مرحوم طبرسی می نویسد: «خداوند به رسولش وحی نمی کند جز با برهان های روشن و نشانه های آشکار. آنچه وحی شده تنها از جانب خداست و به هیچ چیز دیگر نیاز ندارد. هرگز ترسانده نمی شود و نمی هراسد و به خود نمی لرزد.» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۳۸: ۳۸۴/۱۰).

- ما در جریان زندگی هیچ یک از انبیای الهی چنین جریان زنده ای را نمی بینیم. در مورد حضرت موسی علیه السلام، با اینکه زمینه ترس باتوجه به شب تاریک و بیابان خلوت، در او بیشتر بود، آنگاه که ندایی از درختی شنید، ترس و هراس و لرزه ای به خود راه نداد و موسی آرامش خود را همچنان حفظ کرد. در مورد عصایی که تبدیل به اژدها شد، ترس او صرفاً از ناحیه عصا بود که به چنین حیوانی تبدیل گشته بود. وقتی که ندا آمد «ترس»، ترس او به کلی از بین رفت. آیا معقول است که افضل انبیاء، آن چنان ترسی به دل راه دهد که بخواهد خود را از کوه به زیر اندازد؟ بی گمان تا وقتی که روح بلند پیامبران آماده وحی نباشد، تاج پیامبری بر آن نهاده نمی شود (سبحانی، فروغ ابدیت، ۱۳۶۳: ۲۹۲/۱).

- بر اساس آیات قرآن همچون آیه ۷۵ سوره انعام، خداوند ملکوت آسمان ها و زمین را به حضرت ابراهیم نشان داد تا حقایق ملکوت بر وی آشکار گشته و از «یقین کنندگان» گردد. آیا پیامبر صلی الله علیه و آله در بین انبیاء از این قانون مستثنی بوده و به حال خود رها شده است؟ (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۸۱: ۲۵) درحالی که روایات صحیح فراوانی داریم که بیان می کنند خداوند در شبانه روز، فرشته ای بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله گمارده بود تا وی را به کمالات انسانی رهنمون کند (سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه قاصعه، ۱۳۸۲: ۶۱).

- مطابق روایات، عقل پیامبر برترین عقل هاست و در میان مردم کسی از نظر عقل، کامل تر و بالاتر از او نیست. چگونه ممکن است کسی که عقلش و درك و فهمش بالاتر از همه امت باشد؛ اما برای اطمینان خاطر در مسئله ای الهی و غیبی، به فردی مراجعه کند که قاری کتب تحریف شده تورات و انجیل بوده است. از نظر عقلی، آن پیامبری می تواند دیگران را به وسیله وحی الهی در مسیر هدایت و کمال قرار دهد که خود از هرگونه خطا و اشتباه در دریافت وحی، مصون و ایمن باشد؛ لذا این داستان با مبانی عقلی در مسأله عصمت رسولان در زمینه وحی، سازگاری ندارد (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۸۱: ۲۳).



ب. بررسی سندی و تناقضات محتوایی

علاوه بر اشکال‌های اساسی پیش گفته، ایرادهای دیگری نیز بر خود داستان وارد شده که عبارتند از:

۱. سلسله سند داستان به شخص نخست که شاهد ماجرا باشد نمی‌رسد؛ لذا روایت مرسله است (همان: ۲۵).

۲. اختلاف نقل‌هایی که در این داستان دیده می‌شود، خود گواه بر ساختگی و جعلی بودن آن است. چنان که در یکی از نقل‌ها آمده که خدیجه خود به تنهایی نزد ورقة رفت؛ و در دیگری آمده است که پیامبر را با خود برد؛ در سومی آمده که ورقة خود پیامبر را در حال طواف دید و در نقل چهارم بیان شده که ابوبکر بر خدیجه وارد شد و گفت: محمد را نزد ورقة روانه ساز. این اختلاف متن‌ها به حدی است که هر فرد مراجعه‌کننده‌ای متحیر می‌ماند که کدام را باور کند. از طرف دیگر این اختلاف‌ها به گونه‌ای است که نمی‌توان بین آن‌ها سازگاری ایجاد کرد (همان).

۳. در متن بیشتر نقل‌های این داستان، علاوه بر آنکه نبوت پیامبر را نوید داده، در ادامه گفته‌های ورقة بن نوفل آمده که هرگاه دوران بعثت او را درک کنم، به او ایمان آورده، او را یاری و نصرت خواهم کرد (ابن هشام، سیره النبویه، ۱۴۳۰: ۱/۱۲۳). در صورتی که اکثر مورخان گفته‌اند که او پس از بعثت نیز زنده بود، ولی ایمان نیاورد، تا از دنیا رفت. این نشان‌دهنده تعارض بین دو دسته از اخبار و ساختگی بودن داستان است.

ج. مخالفت با روایات شیعی

کلینی در حدیثی که با سند صحیح روایت شده از قول محمد بن نعمان آورده است که او گفت: «از امام باقر علیه السلام درباره تفاوت‌های رسول، نبی و محدث سوال کردم، آن حضرت فرمود: رسول کسی است که جبرئیل در برابر او مجسم می‌شود و جبرئیل را می‌بیند و با او سخن می‌گوید. نبی آن است که حقایقی را در خواب می‌بیند، مانند خواب‌هایی که ابراهیم خلیل می‌دید و مانند آن خواب‌هایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش از نزول وحی و مجسم شدن جبرئیل می‌دید؛ اما در آن هنگام که محمد صلی الله علیه و آله صاحب هر دو مقام نبوت و رسالت گشت، جبرئیل بر او نازل شده با او رو در رو سخن گفت. محدث کسی است که مورد خطاب فرشته قرار می‌گیرد و پیام او را درک می‌کند بدون آنکه او را در بیداری یا خواب مشاهده کند.» (کلینی، الکافی، ۱۳۷۸: ۱/۱۷۶).



باتوجه به چنین زمینه‌ای که از تفکیک دو مقام نبوت و رسالت از روایات شیعه به دست می‌آید، ممکن نیست که پیامبر ﷺ در لحظه بعثت - یعنی برانگیخته شدن به مقام رسالت - دچار اضطراب شود و یا در حقانیت خود یا حقیقتی که بر او نازل شده، تردید کند. این نکته‌ای است که برخی از روایات نیز بر آن تأکید کرده‌اند؛ از جمله در حدیثی، زرارہ از امام صادق (ع) پرسید: «چگونه رسول خدا ﷺ مطمئن گردید که آنچه به او رسیده وحی الهی است نه وسوسه‌های شیطانی؟»

امام (ع) در پاسخ فرمود: «هرگاه خداوند بنده‌ای را به رسالت انتخاب کند آرامش و وقاری به او عطا می‌کند، آن هم به صورتی که آنچه از جانب حق به او می‌رسد، همانند چیزی خواهد بود که وی به چشم خود آن را ببیند» (همان).

۵. آیات قرآنی در پیوند با حضرت خدیجه (ع)

بیان استواسر در انحصار آیه هشتم سورة ضحی به ازدواج خدیجه و پیامبر، از عدم استقصای کامل او در آیات و تفاسیر قرآن حکایت دارد؛ زیرا طبق تفاسیر عامه و خاصه و روایات اهل بیت، آیات متعدد دیگری نیز در این باره نازل شده است؛ از جمله بنا به تصریح روایات، مراد از «أَزْوَاجِنَا» در آیه «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (فرقان/۷۴)، حضرت خدیجه است (حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ۱۴۳۱: ۴۱۶/۱؛ فیض کاشانی، ترجمه تفسیر صافی، بی تا: ۹۸۹/۲؛ بروجردی، تفسیر جامع، ۱۳۶۴: ۹۸/۵). حاکم حسکانی از قرآن پژوهان نام‌دار اهل تسنن، در این مورد آورده است که پیامبر ﷺ در تفسیر این آیه فرمود: «پس از نازل شدن این آیه، از فرشته وحی پرسیدم: منظور از «أَزْوَاجِنَا» کیست؟ پاسخ داد: خدیجه (ع)، و «ذُرِّيَّاتِنَا»، فاطمه و دو نور دیده‌اش حسن و حسین (ع) هستند و در جمله «وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»، منظور حضرت علی (ع) است» (حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ۱۴۳۱: ۴۱۶/۱).

فیض کاشانی نیز می‌نویسد: «منظور از این آیه، مقام والای رسالت، قرآن شریف و یار و مشاور پراخلاص پیامبر ﷺ، خدیجه است که نسل سزاوار پیامبر، از اوست.» (فیض کاشانی، ترجمه تفسیر صافی، بی تا: ۹۸۹/۲).

ذیل آیات ۱۸ تا ۲۸ سوره مطففین از پیامبر ﷺ در تفسیر و بیان مصداق «مقربون»، حضرت خدیجه در شمار مقربان ذکر شده است (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۲۸۹/۹۸). در تفسیر قمی، «مقربون» در «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» (واقعہ/۱۰-۱۱)، به رسول خدا، خدیجه و علی بن ابی طالب و ذریه ایشان تفسیر شده است (قمی، تفسیر قمی، ۱۳۶۷: ۶۳۹/۲). امام صادق (ع) در آیه «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ...» (محمد/۱۹)؛ «مؤمنات» را



خدیجه علیها السلام دانسته است (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۱۵۸/۳۰). فرات کوفی ذیل آیه «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ» (آل عمران/۳۳)؛ «به یقین خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان آل عمران را بر مردم جهان برتری داده است»، نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله بر حضرت فاطمه و عایشه وارد شد، در حالی که بر یکدیگر افتخار می کردند و صورتشان برافروخته بود؛ پس پیامبر از حال ایشان جويا شده و آنان بیان کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«يا عايشة أو ما علمت أن الله اصطفى آدم و نوح و آل ابراهيم و آل عمران و علی و الحسن و الحسين و حمزه و جعفر و فاطمه و خديجه علی العالمين؛ ای عایشه آیا نمی دانی که خدا آدم، نوح، دودمان ابراهیم و خاندان عمران، امیرالمؤمنین، حسن و حسین، حمزه، جعفر، خدیجه و فاطمه را بر جهانیان برگزید؟» (فرات کوفی، تفسیر فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۲۳).

بدین ترتیب، اگرچه حضرت خدیجه، سه سال پیش از هجرت از دنیا رفته و آیات مربوط به همسران پیامبر در مدینه نازل شده، با استقصای کامل می توان دریافت آیات متعددی از جانب پیامبر گرامی درباره این شخصیت کم نظیر تفسیر شده که گویا از منظر مستشرقان به دور مانده است.

استواسر در ذیل آیه ۴۲ آل عمران، به نام و رتبه خدیجه در مباحث تفسیری مربوط به منزلت مریم در بین شخصیت های زن قرآنی و نیز درباره سه زن برگزیده از خانواده پیامبر، یعنی خود خدیجه، عایشه و فاطمه، دختر پیامبر و خدیجه، اشاره می کند و می کوشد با استناد به تفاسیر اهل سنت در ذیل آیه مذکور، به عایشه همسر دیگر پیامبر توجه دهد، در صورتی که روایات ذیل آیه، تنها به جایگاه حضرت خدیجه اشاره دارند؛ برای نمونه، هر چند ظاهر آیه «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران/۴۲) درباره حضرت مریم است، روایات تفسیری، گویای این واقعیت است که حضرت خدیجه مصداق دیگر این آیه می باشد. از پیامبر گرامی اسلام نقل شده: «فضلت خدیجه علی نساء امتی کما فضلت مریم علی نساء العالمین؛ همان گونه که مریم بر زنان جهان برتری داده شد، خدیجه نیز بر زنان امت من برتری داده شده است» (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۴/۵۶۶).

غالب تفاسیر اهل سنت نیز در ذیل آیات مربوط به اصطفاي مریم، به برگزیده بودن حضرت خدیجه اشاره دارند نه عایشه. زمخشری در تفسیر خود از پیامبر نقل می کند: «کل من الرجال کثیر و لم یکمل من النساء الا اربع: آسیه بنت مزاحم امراه فرعون و مریم بنت عمران و خدیجة بنت خویلد و فاطمه بنت محمد [ص]» (زمخشری، تفسیر الکشاف، بی تا: ۴/۵۷۳).



ابن عباس هم چنین نقل می‌کند: «اربع نسوة سادات عالم هن مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و افضلهن عالمة فاطمه؛ چهار زن، سالار زنان روزگار شدند: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، خدیجه و فاطمه علیها السلام، و فاطمه زهرا برترین آنهاست» (آلوسی، روح المعانی، ۱۴۰۵: ۱۵۰/۳).

قرطبی با استناد به سخن ابن عباس، بر آن است که ظاهر قرآن و احادیث، اقتضا می‌کند که حضرت مریم از تمام زنان برتر و پس از آن فاطمه و سپس خدیجه و بعد آسیه باشد (همان)؛ و در این بین سخنی از عایشه به میان نیاورده است. می‌توان به این نتیجه دست یافت که در ذیل آیه ۴۲ آل عمران، از بین همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، فقط به برتری خدیجه در بین زنان عالم اشاره شده و نامی از عایشه نیامده است. مشخص نیست که استواسر، با استناد به کدام تفسیر، این مطلب را دریافته است، مگر اینکه به کتب سیره و قصص مراجعه کرده باشد که در مقابل روایات صادره از پیامبر صلی الله علیه و آله جایگاهی نخواهد داشت. در ذیل آیات ۱۱-۱۲ تحریم، در بیان جایگاه الگویی آسیه همسر فرعون و حضرت مریم نیز روایات تفسیری عموماً به جایگاه حضرت خدیجه و برگزیده بودن او به همراه آسیه، مریم و حضرت فاطمه علیها السلام اشاره دارند و سخنی از عایشه، همسر دیگر پیامبر به میان نیامده است. تفاسیر اهل سنت نیز همان روایات پیش گفته را آورده و فقط به خدیجه به عنوان همسر برگزیده پیامبر با زنان بهشتی اشاره کرده‌اند (بغوی، معالم التنزیل ۱۹۲۰: ۱۲۶/۵). استواسر، گرچه به کم بودن تعداد روایات مربوط به گنجاندن عایشه در بین بهترین زنان عالم اشاره کرده، در عین حال سعی کرده با توجه به کتب‌های سیره، مقام و منزلت عایشه را در کنار خدیجه تأکید و اثبات کند؛ در حالی که کتب سیره و تفسیر، همه در مورد جایگاه خدیجه و برتری او بر تمام زنان عالم و تمام همسران پیامبر، از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله تأکید و تصریح دارند و اشاره‌ای به جایگاه همسران دیگر پیامبر ندارند. حتی عالمان و محدثان بزرگ اهل سنت چون: ابن حجر عسقلانی و ابن کثیر، با استناد به احادیث پیش گفته، برتری حضرت خدیجه بر عایشه را پذیرفته‌اند (ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، بی تا: ۷/۱۳؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۰۸: ۱۲۹/۳).

خدیجه علیها السلام از منظر آبوت

نابیا آبوت، در ۳۱ ژانویه ۱۸۹۷م در شهر ماردین واقع در جنوب ترکیه به دنیا آمد. سپس با خانواده‌اش به موصل، بغداد و از آنجا به بمبئی رفت. در ۱۹۱۹م مدرک کارشناسی خود را در رشته مطالعات اسلامی دریافت کرد. از آنجا به عراق و بعد با خانواده‌اش به بوستون رفت و کارشناسی ارشد خود را در ۱۹۲۰م از دانشگاه بوستون دریافت کرد. وی در ۱۹۳۳م از دانشگاه شیکاگو درجه دکتری دریافت کرد. آبوت



سرانجام در اکتبر ۱۹۸۱م در شیکاگو درگذشت. تحقیق درباره وهب بن منبه و بررسی نسخه‌های خطی قرآن، از مهم‌ترین زمینه‌های پژوهشی وی است (Abbott, «Arabic-Persian Koran of the late fifteenth or early sixteenth century», 1939: 91-93; id., «Wahb b. Munabbih: a review article», 1977: 103-110).
وی درباره نقش حضرت خدیجه در پیشرفت اسلام و دعوت پیامبر، بر دو مطلب انگشت نهاده است: نخست - که در دیدگاه‌های پیشین نیز آمد- نقش آفرینی خدیجه و ورقه بن نوفل در از میان بردن تردید و وحشت حضرت محمد ﷺ درباره وحی و نبوت و دیگری نقش ثروت خدیجه در پیشرفت اسلام (Abbott, «Women and the State in Early Islam», 1942: 1/121-122).

ارزیابی

پیش از این به نقد مدعای تردید پیامبر ﷺ در نبوت خویش و رفع آن در مصاحبت با خدیجه ﷺ و ورقه بن نوفل اشاره کردیم؛ اما درباره جهت دیگر سخن آبت نیز باید نکاتی به میان آورد. این حقیقت که اسلام و رسالت پیامبری با ثروت خدیجه ﷺ پیش رفت، انکارناشدنی است و در واقع حضرت خدیجه، یکی از حامیان بسیار مؤثر در این مهم بود. وی، برترین همسر رسول خدا به‌شمار می‌رفت که منزلت پیامبر را به نیکویی شناخت و در طول ۲۵ سال زندگی مشترک، در سخت‌ترین دوران ظهور اسلام، لحظه‌ای از یاری آن حضرت دست نکشید و تمام وجودش را در گسترش رسالت تقدیم کرد و حمایت‌هایی بی‌دریغ و همه‌جانبه در پیشرفت دعوت پیامبر ﷺ انجام داد. نقش آن بانو در تثبیت رسالت پیامبر ﷺ، جنبه‌های مختلف داشته است. حمایت‌های مادی و معنوی او از پیامبر گرامی اسلام، نقش بسزایی در تثبیت اقتدار اجتماعی پیامبر و خنثی شدن توطئه مشرکان قریش در تحریم اقتصادی - اجتماعی در شعب ابی طالب و نیز پیشگیری از اتهامات و سخنان ناروا به پیامبر و کمک به اسلام آوردن افراد، داشته است. حمایت اقتصادی، مهم‌ترین و مشهورترین نقشی بود که حضرت خدیجه ﷺ در راه تثبیت رسالت پیامبر انجام داد. وی تمامی اموال خویش را به پیامبر بخشید، به‌طوری‌که اسلام مدیون ثروت اوست. خدیجه در ابتدای شروع زندگی، برای جلوگیری از بهانه‌تراشی‌های مخالفان با ازدواج با پیامبر، مهر و صداق را خود بر عهده گرفت (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۷۱/۱۶). حضرت خدیجه چند روز پس از ازدواج با پیامبر، تمام اموالش را به رسول خدا بخشید تا آن حضرت هر طور که مصلحت می‌داند آن را هزینه کند. وی برای جلوگیری از سیل اتهامات و سخنان ناروا که درباره حضرت محمد ﷺ می‌زدند و از سرکینه و حسد او را تحقیر می‌کردند و یتیم و تهی‌دست می‌خواندند، پسرعمویش ورقه را خواست و اختیار تمام اموال و دارایی‌های خود را به او سپرد و دستور داد که تمام

دارایی را به محمد هدیه کند و یادآور شد: «این همه دارایی و اموال از این پس، ملک محمد است و به او تعلق دارد و هرطور که بخواهد می‌تواند در آن تصرف کند» (همان، ۷۵-۷۷). پیامبر هم از اموال خدیجه در راه کمک به اسلام آوردن افراد و شکستن محاصره اقتصادی شعب ابی طالب در سال‌های نخست بعثت بهره می‌برد (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۶۳/۱۹؛ بلاذری، انساب‌الاشراف، ۱۴۱۷: ۱۰۵/۱؛ ابن‌سعد، طبقات‌الکبری، بی‌تا: ۱۰۹/۱؛ طوسی، الأمالی، ۱۴۱۴: ۴۶۸).

البته درباره ثروت خدیجه علیها السلام غالباً گفته شده: این ثروت ماحصل ازدواج‌های قبلی وی بوده که این خود از ظلم‌های دیگر در حق اوست. حضرت خدیجه علیها السلام تجربه و بینش بالایی در امر تجارت و به دست آوردن ثروت داشت؛ لذا روزبه‌روز به ثروت آن حضرت افزوده می‌شد تا جایی که او را در زمان جاهلیت به همین خاطر «بانوی قریش» نامیدند (تهرانی، خصائص‌ام‌المؤمنین خدیجه‌الکبری علیها السلام، ۱۳۹۳: ۱۲۶). ازجمله عوامل مؤثر در افزایش ثروت خدیجه، مدیریت قوی وی است. او با دقت در انتخاب وقت و فرصت، نوع کالا و مقدار آن، حرکت و بازگشت و توقف کاروان با آگاهی از زمان و مکان، طوری تنظیم و تدبیر و برنامه‌ریزی می‌کرد که تحسین کاروان بزرگ تجارته‌اش را برمی‌انگیخت. خدیجه از یمن به حجاز و از حجاز به شام و دیگر مراکز مهم اقتصادی و تجاری می‌رفت و سود سرشار و عادلانه و فراوانی به دست می‌آورد. اگر به اوضاع آن روز جهان و دنیای عرب و قلمرو حجاز آشنا باشیم و نیز اگر اسارت و محرومیت کامل «زن» از حقوق انسانی و اجتماعی‌اش را به یاد آوریم، و زنده به گور کردن دختران را بدانیم، آن‌گاه اداره امر مهم اقتصادی به‌وسیله یک دختر هوشمند و پاک‌منش و با مدیریت توانمند و ظریف وی، ما را به شخصیت و ویژگی معنوی و برجسته و ابتکار او درکارها و روح مدیریت و سازنده‌اش آشناتر می‌کند که واقعاً حضرت خدیجه در آن روزگار، خردمندترین، مدبرترین و کارآمدترین زنان بود (کرمی، نگاهی کوتاه به زندگی ام‌المؤمنین خدیجه علیها السلام، ۱۳۹۶: ۵۲).

خدیجه در تجارت خود از رسم رایج بازار آن زمان؛ یعنی احتکار و انحصار، کم‌فروشی و فریب، رباخواری و بهره‌کشی‌های ظالمانه رایج و هر نوع حرام‌خوارگی مرئی و نامرئی برای انباشتن ثروت، دوری می‌کرد. وی کار پرشرافت خود را به این گناهان بزرگ آلوده نمی‌ساخت و به کارگران، کارمندان و مدیران خود نیز هشدار می‌داد که داد و ستد و سود و درآمد را با صداقت و هوشمندی و از راه‌های مشروع و عادلانه تجارت و صادرات و واردات و خدمت به کشور و ملت و تعهد و تخصص به دست آورند. خدیجه به دلیل همین ویژگی‌های برجسته اخلاقی و انسانی و مدیریت منطقی و خردمندانه، نه تنها اعتماد بازارهای داخلی، بلکه بازارهای منطقه‌ای را هم به دست آورده بود و راه پیشرفت و ترقی و رشد را برای دیگران هم باز می‌کرد. در نتیجه راه‌های موفقیت او بازتر می‌شد و بازارهای مصر، یمن،



شام، حبشه و... از آن استقبال می کردند (ابن جوزی، تذکره الخواص، ۱۴۱۸: ۲۷۱). حضرت خدیجه در مدیریت اقتصادی خویش، همکاران و عوامل اجرایی را از میان انسان های سالم، امانت دار، درست کار، آزمون شده و ریشه دار به هم کاری دعوت می کرد. وی از دفتر کارش، این کاروان عظیم تجارتی را با سرانگشت نیرومند تدبیر و قدرت گره گشای مدیریت و درایت خویش به حرکت در می آورد و به کارهای اقتصادی خویش سامان می بخشید (کرمی، نگاهی کوتاه به زندگی ام المومنین خدیجه علیها السلام، ۱۳۹۶: ۴۸).

حضرت خدیجه در روزگار فقدان درایت و مدیریت عادلانه و انسانی، از اصل ایجاد انگیزه در کارکنان و همکاران بهره می جست. پیامبر صلی الله علیه و آله در مقام حق شناسی از بخشش و بزرگ منشی خدیجه در این راه چنین فرمود: «ما رأیت من صاحبة لأجير خیر من خدیجه و ما کنا نرجع أنا و صاحبی إلا وجدنا عندها تحفه من طعام تحبوه لنا؛ من مدیر و کارفرمایی پرمهرتر و حق شناس تر و بهتر از خدیجه نسبت به کارکنان و کارگزاران و همکارانش را ندیدم. هرگاه من و دوستم پس از کار، نزد او می رفتیم، می دیدیم غذای گوارایی برای ما آماده می شد» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۱۰/۱۶).

با توجه به عواملی که بیان شد، راز ثروت عظیم حضرت خدیجه علیها السلام مشخص می گردد و شبیه ارث بردن از همسران قبلی وی رفع می شود. بی تردید سرمایه عظیم اقتصادی آن بانوی فداکار، نقشی اساسی در پیشرفت اسلام و برپایی جامعه جدید داشت؛ زیرا اسلام در حال شکل گیری، نیاز به امکانات اقتصادی داشت. خدا بر اثر درست اندیشی و اخلاص خدیجه، این افتخار را به او داد که ثروتش را برای پیشرفت دین و آزادی انسان مهیا سازد؛ اما بیان عظمت خدیجه کبری علیها السلام در قول مستشرقان، به پایین آوردن جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله انجامیده و این خطایی بزرگ در تحقیقات آنان است که بزرگ مردی چون وی را این چنین ناکارآمد و ناتوان در امر رسالت معرفی می کنند.

نتیجه

حضرت خدیجه علیها السلام یکی از مهم ترین شخصیت هایی است که در عصر خود نقش بی بدیلی برای رشد اسلام داشت و دشمنان اسلام نیز به این مهم پی بردند و دست به تحریف تاریخ زندگی این بانوی ارجمند زدند و فضایل و مناقب او را حذف کردند و یا به دیگران نسبت دادند تا از فروغ او بکاهند و مردم را به طرف دیگران متمایل سازند. آنان با نشر این تحریفات و رسوخ دادن آن به تاریخ، سعی در تخریب شخصیت خدیجه علیها السلام داشتند. متأسفانه این تحریفات در کتب و آثار مستشرقان نیز وارد شده است؛ درحالی که این بانوی بزرگوار، هنگام ازدواج چهل ساله نبوده و قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، هرگز



ازدواج نکرده بود. همچنین وی صاحب فرزندی نبوده؛ بلکه فرزندان منتسب به او، فرزندان خواهر وی، هاله بودند که تحت سرپرستی اش قرار داشتند. همچنین خدیجه علیها السلام بر اساس بینش اقتصادی و تلاش خویش، ثروت فراوانی را کسب کرد و این اموال، میراث همسران قبلی اش نبود و پس از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله که به پیشنهاد خدیجه علیها السلام به دلیل کرامت و پاکی پیامبر صلی الله علیه و آله صورت گرفت، به پیامبر صلی الله علیه و آله بخشیده شد و در مسیر پیشرفت اسلام هزینه گردید. حضرت خدیجه توانست با بذل مال خویش، یاران اسلام را که در آغاز راه خود قرار داشتند، در مقابل دشمنان حفظ کند و زمینه شکوفایی اسلام و مسلمانان را فراهم نماید. بنابراین ثروت و حمایت مالی حضرت خدیجه، مهم ترین عامل در پیشرفت اسلام بوده است. وی در طی ۲۵ سال زندگی با پیامبر صلی الله علیه و آله، تنها همسر وی بود و با تحمل همه سختی ها در آغاز دعوت به اسلام، با صبری مثال زدنی همواره در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاد و با حمایت مادی و معنوی خویش، بار غم را از چهره وی زدود.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، دارالقرآن الکریم، تهران: ۱۴۱۵ق.
۲. ابن جوزی، عبدالرحمن، تذکره الخواص، منشورات الشریف الرضی، قم: ۱۴۱۸ق.
۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری، دارالمعرفه، بیروت: بی تا.
۴. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، دارصادر، بیروت: بی تا.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، دارالاضواء، بیروت: ۱۴۱۲ق.
۶. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، داراحیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۱۵ق.
۷. ابن عماد، عبدالحی بن احمد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، دار احیاء التراث العربی، بیروت: بی تا.
۸. ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب الاسلامیه، بیروت: ۱۴۰۸ق.
۹. ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق: طه عبدالرئوف سعد، دارالجیل، بیروت: ۱۴۳۰ق.
۱۰. آخوند، سکینه، «بررسی جایگاه حضرت خدیجه (س) در دائرة المعارف قرآن لایدن»، قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ش.
۱۱. آلوسی، محمود، روح المعانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۵ق.
۱۲. اندیشه، هاشم، رستمی، حیدرعلی و محمد امین سپاهیان، «قطره ای از دریای فضایل حضرت خدیجه (س)»، میقات حج، شماره ۱۰۵، پاییز ۱۳۹۷ش.
۱۳. بروجردی، ابراهیم، تفسیر جامع، انتشارات صدرا، تهران: ۱۳۶۴ش.
۱۴. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل، تحقیق: عبدالرزاق المهدی، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت: ۱۹۲۰م.
۱۵. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، دارالفکر، بیروت: ۱۴۱۷ق.
۱۶. بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق.
۱۷. توانا، محمد علی، کامکاری، محمد و محمد امین میرزایی زاده کوهپایه، «مقایسه حقوق زن مسلمان از دیدگاه مرتضی مطهری و فاطمه مرنیسی»، نظریه های اجتماعی متفکران مسلمان، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۶ش.
۱۸. تهرانی، حسین، خصائص ام المؤمنین خدیجه الکبری (س)، طوبای محبت، قم: ۱۳۹۳ش.
۱۹. حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت: ۱۴۳۱ق.



۲۰. حسینی، زینب السادات، غلامرضا رئیسیان و زهره حبیبی، «برسی دیدگاه نایبا آبوت در مقاله "وضعیت زن در صدر اسلام" با تکیه بر آیات و روایات»، علوم قرآن و حدیث، شماره ۹۶، بهار و تابستان ۱۳۹۵ ش.
۲۱. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، مؤسسة البلاغ، بیروت: ۱۴۲۶ ق.
۲۲. رضا شاکری، علی اصغر، «بث شکوی عاشقانه حضرت رسول اکرم ﷺ در باره خدیجه (س)»، جشنواره ملی بانوی هزاره اسلام، ۱۳۹۹ ش.
۲۳. زمخشری، جارالله، تفسیر الکشاف، منشورات دارالبلاغه، قم: بی تا.
۲۴. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، نشر دانش اسلامی، قم: ۱۳۶۳ ش.
۲۵. سخا، اسماعیل، نقش اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حضرت خدیجه (س) در گسترش اسلام، پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، ۱۳۹۹ ش.
۲۶. سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، مرکز البحوث الاسلامیه، قم: ۱۳۸۲ ش.
۲۷. شمس، حسین، «بررسی جنبه های الگوگیری از حضرت خدیجه (س) در سبک زندگی»، جشنواره ملی بانوی هزاره اسلام، ۱۳۹۹ ش.
۲۸. صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، انتشارات داورى، قم: ۱۴۲۵ ق.
۲۹. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم: ۱۳۷۴ ش.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، المكتبة العلمیه، تهران: ۱۳۳۸ ش.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، دار الثقافة، تهران: ۱۴۱۴ ق.
۳۲. —، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت: بی تا.
۳۳. عامری حرّضی، یحیی بن ابی بکر، بهجه المحافل، المكتبة العلمیه، مدینه منوره: بی تا.
۳۴. عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، دارالحدیث، قم: ۱۴۲۶ ق.
۳۵. عوض، ابراهیم، مصدر القرآن، بی نا، بی جا، ۱۴۱۷ ق.
۳۶. فرات کوفی، ابوالقاسم، تفسیر فرات کوفی، سازمان چاپ و انتشارات وزات ارشاد اسلامی، تهران: ۱۴۱۰ ق.
۳۷. فهرستی، زهرا، «نقد آراء فاطمه مرنیسی در خصوص حجاب»، زن در توسعه و سیاست، شماره ۱۳، پاییز ۱۳۸۴ ش.



۳۸. فیض کاشانی، ملامحسن، ترجمه تفسیر صافی، ترجمه: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، نویدالاسلام، قم: بی تا.
۳۹. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتاب، قم: ۱۳۶۷ ش.
۴۰. کرمی، علی، نگاهی کوتاه به زندگی ام المومنین خدیجه (س)، مؤسسه معارف امامت اهل بیت، قم: ۱۳۹۶ ش.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالحديث، قم: ۱۴۳۰ ق.
۴۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، مؤسسة الوفا، بیروت: ۱۴۰۳ ق.
۴۳. مرینسی، فاطمه، زنان پرده نشین و نخبگان جوشن پوش، ترجمه ملیحه مغازه ای، نشر نی، تهران: ۱۳۸۰ ش.
۴۴. معارف، مجید، نجارزادگان، فتح الله و محمد علی مهدوی راد، علوم قرآنی، سمت، تهران: ۱۳۹۶ ش.
۴۵. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، نشر سمت، تهران: ۱۳۸۱ ش.
۴۶. وات، ویلیام مونتگمری، محمد فی مکه، ترجمه: شعبان برکات، المكتبة العصرية، بی جا: بی تا.
۴۷. وزینی راغب، زهرا، «بررسی نقش حضرت خدیجه (س) در حفظ و نشر اسلام»، جشنواره ملی بانوی هزاره اسلام، ۱۳۹۹ ش.
۴۸. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، دار صادر، بیروت: بی تا.
49. Abbott, Nabia, «Arabic-Persian Koran of the late fifteenth or early sixteenth century», Ars Islamica, No. 6, 1939, p. 91-94.
50. _____, «Wahb b. Munabbih: a review article», Journal of Near Eastern Studies, No. 36, 1977, p. 103-112.
51. _____, «Women and the State in Early Islam», journal of near Eastern Studies, Vol. 1, No. 1, Jan., 1942, p. 106-126.
52. McAuliffe, Jane Dammen, «Fātima», Encyclopaedia of the Quran, edited by: Jane Dammen McAuliffe, Brill, Leiden: 2002, vol. 2, p. 192-194.
53. Stowasser, Barbara Freyer, «Gender issues and contemporary Quran interpretation», Islam gender, edited by: Y. Yazbeck Haddad, Oxford University Press, New York: 1998, p. 30-44.



54. _____, «Khadija», Encyclopaedia of the Quran, edited by: Jane Dammen McAuliffe, Brill, Leiden: 2003, vol. 3, p. 80-81.
55. _____, «Mary», Encyclopaedia of the Quran, edited by: Jane Dammen McAuliffe, Brill, Leiden: 2003, vol. 3, p. 288-296.
56. _____, «Wives of the Prophet», Encyclopaedia of the Quran, edited by: Jane Dammen McAuliffe, Brill, Leiden: 2006, vol. 5, p. 506-521.
57. _____, «Women and citizenship in the Qur'an», Women, the family, and divorce laws in Islamic history, edited by: A. El Azhary Sonbol, Syracuse University Press, Syracuse: 1996, p. 23-38.
58. _____, «The women's bay'a in Qur'an and Sira», The Muslim World (Hartford, CT, USA), No. 99i, 2009, p. 86-101.
59. _____, Women in the Qur'an, traditions and interpretation, Oxford University Press, Oxford: 1994.



Resources:

- Quran Karim (Translation of the Holy Quran)*: Translated by Mohammad Mehdi Fuladvand. Dar al-Quran al-Karim, Tehran: 1415 AH (1994 CE).
1. Abbott, Nabia, «*Arabic-Persian Koran of the Late Fifteenth or Early Sixteenth Century*», Ars Islamica, No. 6, 1939, p. 91-94.
 2. Abbott, Nabia, «*Wahb b. Munabbih: A Review Article*», Journal of Near Eastern Studies, No. 36, 1977, p. 103-112.
 3. Abbott, Nabia, «*Women and the State in Early Islam*», journal of near Eastern Studies, Vol. 1, No. 1, Jan., 1942, p. 106-126.
 4. Akhund, Sakineh, *Barrasi-ye Jaygah-e Hazrat Khadijah (SA) dar Da'irah-ye Ma'arif-e Quran Leyden (Review of the Position of Hazrat Khadijah in the Quranic Lexicon of Leyden)*, Quran-Pazhuhi-ye Khavarsheenasan, No. 25, Autumn and Winter 1397 SH (2018 CE).
 5. Alusi, Mahmoud, *Ruh al-Ma'ani (Spirit of the Meanings)*, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: 1405 AH (1984 CE).
 6. Amiri Harazi, Yahya ibn Abi Bakr, *Bahjat al-Muhaffal (The Delights of Gatherings)*, Al-Maktabah al-Ilmiyyah, Madinah Munawwarah: n.d.
 7. Amiuli, Ja'far Murtadha, *Al-Sahih min Sirat al-Nabi al-Azam (The Authentic from the Life of the Greatest Prophet)*, Dar al-Hadith, Qom: 1426 AH (2005 CE).
 8. Andisheh, Hashem, Rostami, Heydar Ali, and Mohammad Amin Sepahian, *Qatrave az Daryaye Fazayel-e Hazrat Rasool Akram (PBUH) darbareye Khadijah (SA) (Drops from the Sea of Virtues of Prophet Muhammad (PBUH) Regarding Khadijah (SA))*, Meqate Hajj, No. 105, Autumn 1397 SH (2018 CE).
 9. Awad, Ibrahim, *Masdar al-Quran (The Source of the Quran)*, n.p., N.p.: 1417 AH (1997 CE).
 10. Baghawi, Hussein ibn Mas'ud, *Ma'alim al-Tanzil (Indications of Revelation)*, Edited by Abdul Razzaq al-Mahdi, Dar al-Ahya al-Turath al-Arabi, Beirut: 1920 CE.
 11. Baladhuri, Ahmad ibn Yahya, *Ansab al-Ashraf (Genealogies of the Nobles)*, Dar al-Fikr, Beirut: 1417 AH (1996 CE).
 12. Bayhaqi, Ahmad ibn Hussein, *Dalail al-Nubuwwah (The Proofs of Prophethood)*, Beirut, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1405 AH (1984 CE).
 13. Borujerdi, Ebrahim, *Tafsir-e Jame (Comprehensive Interpretation)*, Sadrat Publications, Tehran: 1364 SH (1985 CE).
 14. Fayz Kashani, Mulla Mohsen, *Tafsir Safi (The Pure Interpretation)*, Translated by Abdul Rahim Aghiqi Bakhshayeshi. Nava-yi Islam, Qom: Beit Al-Kitab.

15. Fehrest, Zahra, *Naqd Ara' Faimah Mernissi dar Khusus_e Hijab (Critique of Fatima Mernissi's Views on Hijab)*, Zan dar Tose' va Siyasat, No. 13, Autumn 1384 SH (2005 CE).
16. Furatkufi, Abu al.Qasim, *Tafsir Furat Kufi (Furat Kufi's Interpretation)*, Sazman_e Chap va Intisharat_e Vezarat_e Ershad_e Eslami, Tehran: 1410 AH (1990 CE).
17. Hakim Haskani, Abdullah ibn Abdullah, *Shawahid al_Tanzil (The Evidences of Revelation)*, Mu'assasat al_Ilmi li al_Matbu'at, Beirut: 1431 AH (2010 CE).
18. Hosseini, Zeinab al.Sadat, Gholamreza Raeisiyan, and Zahra Habibi, *Baresi_e Didgah_e Nabia Abuat dar Maqaleye 'Vaz'iyat_e Zan dar Sadre Eslam' ba Takiye bar Ayat va Ravayat (A Study of the Perspective of Nabia Abuat in the Article 'The Status of Women at the Beginning of Islam' Based on Quranic Verses and Narrations)*, Sciences of the Quran and Hadith, No. 96, Spring and Summer 1395 SH (2016 CE).
19. Ibn Asakir, Ali ibn Hasan, *Tarikh Madinat Dimashq (History of the City of Damascus)*, Dar Ahya al_Turath al_Arabi, Beirut: 1415 AH (1995 CE).
20. Ibn Hajar Asqalani, Ahmad ibn Ali, *Fath al_Bari (The Victory of the Creator: Commentary on Sahih Bukhari)*, Dar al_Ma'arif, Beirut: n.d.
21. Ibn Hisham, Abd al.Malik, *Al_Sirah al_Nabawiyyah (The Prophetic Biography)*, Edited by Taha Abd al.Raouf Saad, Dar al_Jayl, Beirut: 1430 AH (2009 CE).
22. Ibn Imad, Abd al.Hayy ibn Ahmad, *Shatharat al_Dhahab fi Akhbar Man Dhahab (Golden Fragments in the History of Those Who Went)*, Dar Ahya al_Turath al_Arabi, Beirut: n.d.
23. Ibn Jawzi, Abdul Rahman, *Tadhkirah al_Khawwas (Memoirs of the Pious)*, Manshurat al_Sharif al_Radhi, Qom: 1418 AH (1997 CE).
24. Ibn Kathir, Ismail, *Tafsir al_Quran al_Azim (Interpretation of the Noble Quran)*, Dar al_Kutub al-Islamiyyah, Beirut: 1408 AH (1987 CE).
25. Ibn Saad, Muhammad ibn Saad, *Al_Tabaqat al_Kubra (The Great Classes)*, Dar Sader, Beirut: n.d.
26. Ibn Shahr Ashub, Muhammad ibn Ali, *Manaqib Aal Abi Talib (The Virtues of the Family of Ali)*, Dar al_Adwa, Beirut: 1412 AH (1992 CE).
27. Karami, Ali, *Negah_i Kootah be Zendegi_ye Amm al_Mu'minin Khadijah (AS) (A Brief Look at the Life of the Mother of the Believers Khadijah)*, Mo'asseseh Ma'aref Imamate Ahl al_Bayt, Qom: 1396 SH (2017 CE).
28. Khasibi, Hussein ibn Hamdan, *Al_Hidayah al_Kubra (The Grand Guidance)*, Ma'asat al_Balagh, Beirut: 1426 AH (2005 CE).
29. Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub, *Al_Kafi*, Dar al_Hadith, Qom: 1430 AH (2009 CE).



30. Ma'aref, Majid, Najjarzadegan, Fathollah, and Mohammad Ali Mahdivirad, *Alwom.e Quran'i (Quranic Sciences)*, SAMT, Tehran: 1381 SH (2002 CE).
31. Majlisi, Muhammad Baqir, *Bihar al-Anwar (Seas of Lights)*, Mu'assasat al-Wafa, Beirut: 1403 AH (1982 CE).
32. Ma'rifat, Muhammad Hadi, *Ulm.e Quran'i (Quranic Sciences)*, Nashr.e SAMT, Tehran: 1381 SH (2002 CE).
33. Marnissi, Fatimah, *Zanan Pardahanshin va Nokhbegan Jushanpush (Veiled Women and Clad Elite)*, Translated by Malihah Maqazhahi. Nashr.e Ney, Tehran: 1380 SH (2001 CE).
34. McAuliffe, Jane Dammen, «Fātima», *Encyclopaedia of the Quran*, edited by: Jane Dammen McAuliffe, Brill, Leiden: 2002, vol. 2, p. 192-194.
35. Qumi, Ali ibn Ibrahim, *Tafsir Qumi*, Dar al-Kitab, Qom: 1367 SH (1988 CE).
36. Reza Shakeri, Ali Asghar, *Basheh.e Shakwaye Ashiqaneh Hazrat Rasool Akram (PBUH) darbare Khadijah (PBUH) (Disclosing the Lovers' Complaint of the Prophet Muhammad (PBUH) about Khadijah (S.A.))*, National Festival of the Woman of the Millennium of Islam, 1399 SH (2020 CE).
37. Saduq, Muhammad ibn Ali, *Ilal al-Shara'i (The Causes of Religious Laws)*, Entesharat Davari, Qom: 1425 AH (2004 CE).
38. Sakha, Ismail, *Naghsh Eqtesadi, Ejtemai, va Siasi Hazrat Khadijah (SA) dar Gostareshe Eslam (The Economic, Social, and Political Role of Hazrat Khadijah (SA) in the Expansion of Islam)*, PhD Dissertation, Islamic Azad University, Mahallat Branch, 1399 SH (2020 CE).
39. Sayyid Reza, Mohammad ibn Hussein, *Nahj al-Balaghah (The Peak of Eloquence)*, Researched by Sabhi Salih, Markaz al-Buhuth al-Islamiyyah, Qom: 1382 SH (2003 CE).
40. Shams, Hussein, *Baresi-ye Janibhay.e Elgugarie Az Hazrat Khadijah (SA) dar Seke Zindagi (An Examination of Aspects of Imitation of Hazrat Khadijah (SA) in Lifestyle)*, National Festival of the Woman of the Millennium of Islam, 1399 SH (2020 CE).
41. Sobhani, Ja'far, *Forough.e Abadit (Eternal Illumination)*, Nashr.e Danesh.e Eslami, Qom: 1363 SH (1984 CE).
42. Stowasser, Barbara Freyer, «Gender issues and contemporary Quran interpretation», *Islam gender*, edited by: Y. Yazbeck Haddad, Oxford University Press, New York: 1998, p. 30-44.
43. Stowasser, Barbara Freyer, «Khadija», *Encyclopaedia of the Quran*, edited by: Jane Dammen McAuliffe, Brill, Leiden: 2003, vol. 3, p. 80-81.
44. Stowasser, Barbara Freyer, «Mary», *Encyclopaedia of the Quran*, edited by: Jane Dammen McAuliffe, Brill, Leiden: 2003, vol. 3, p. 288-296.

45. Stowasser, Barbara Freyer, «*The women's bay'a in Quran and Sira*», The Muslim World (Hartford, CT, USA), No. 99i, 2009, p. 86.101.
46. Stowasser, Barbara Freyer, «*Wives of the Prophet*», Encyclopaedia of the Quran, edited by: Jane Dammen McAuliffe, Brill, Leiden: 2006, vol. 5, p. 506.521.
47. Stowasser, Barbara Freyer, «*Women and citizenship in the Quran*», Women, the family, and divorce laws in Islamic history, edited by: A. El Azhary Sonbol, Syracuse University Press, Syracuse: 1996, p. 23.38.
48. Stowasser, Barbara Freyer, *Women in the Quran, Traditions and Interpretation*, Oxford University Press, Oxford: 1994.
49. Tabatabai, Muhammad Hussain, *Tafsir al-Mizan (Interpretation of the Balance)*, Translated by Mohammad Baqer Musavi Hamadani. Teachers Association of Qom Islamic Seminary, Qom: 1374 SH (1995 CE).
50. Tabrasi, Fadl ibn Hasan, *Majma' al-Bayan li 'Ulum al-Quran (Compilation of the Elucidation of Quranic Sciences)*, ALMaktabah al-Ilmiyyah, Tehran: 1338 SH (1959 CE).
51. Tawana, Muhammad Ali, Kamkari, Muhammad, and Muhammad Amin Mirzaeezadeh Koohpayeh, *Maqayise Hoquq-e Zan-e Musliman az Didgah-e Morteza Motahhari va Fatemeh Mernissi (A Comparison of the Rights of Muslim Women in the Perspectives of Morteza Motahhari and Fatemeh Mernissi)*, Nazariyat-e Ejtemai-ye Motevakkaran-e Mosalman, No. 13, Autumn and Winter 1396 SH (2017 CE).
52. Tehrani, Hussein, *Khasais Amal-e Momenin Khadijah al-Kubra (SA) (The Characteristics of the Deeds of the Great Believer Khadijah al-Kubra (SA))*, Tobaye Mohabbat, Qom: 1393 SH (2014 CE).
53. Tusi, Muhammad ibn Hasan, *AL-Amali (The Dictations)*, Dar al-Thaqafah, Tehran: 1414 AH (1993 CE).
54. Tusi, Muhammad ibn Hasan, *AL-Tibyan fi Tafsir al-Quran (The Elucidation of Quranic Interpretation)*, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: Beit ALKitab.
55. Vazini Ragheb, Zahra, *Barrasi-ye Naghshe Hazrat Khadijah (AS) dar Hifz va Nashr-e Eslam (An Examination of the Role of Hazrat Khadijah in the Preservation and Spread of Islam)*, Jashnvareh Melli Banuye Hezareh Eslam, 1399 SH (2020 CE).
56. Watt, William Montgomery, *Muhammad in Mecca*, Translated by Shu'ban Barakat. ALMaktabah al-Asriyyah, Bijan: Beit ALKitab.
57. Yaqoubi, Ahmad ibn Abi Ya'qub, *Tarikh Yaqubi (The History of Yaqubi)*, Dar Sader, Beirut: Beit ALKitab.
58. Zamakhshari, Jarallah, *Tafsir al-Kashaf (The Exegesis of Unveiling)*, Manshurat Dar al-Balaghah, Qom: n.d.